

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وضعیّت شیعه در عربستان

تألیف : محمد علی مهدوی راد

کتابخانه خانقاه
ایمان برای شیعه
دانشگاه تهران

فهرست

وضعیت شیعه در عربستان
وضعیت رافضیان در سرزمین توحید
فعالیت های علمی
آموزش و پرورش
فعالیت های اداری
فعالیت های تجاری و کشاورزی
فعالیت های علمی و تبلیغی
خواست های شیعیان
پی نوشت ها

وضعیت شیعه در عربستان

آنچه در پی می آید گزارشی است از چگونگی وضع شیعیان در عربستان، که بر اساس آگاهی های برگرفته شده از شاهدان عینی و شیعیان آن دیار و گفتگو با مردمان آن سامان به قلم آمده است؛ از این رو نمی توان از آن انتظار پژوهشی دقیق و مستند بر آمار و واقعیت های ملموس و با دقت در همه جوانب را انتظار برد .

این مجموعه به قلم آمده بود تا در گزارش حج سال ۱۳۷۲ که با عنوان «با کاروان عشق» نشر یافته است، منتشر شود، اما به لحاظی در آن مجموعه نیامد و اکنون مجال نشر می یابد. برای آگاهی از چگونگی وضع شیعیان در آن دیار، خواندن کتاب «الشیعة فی المملكة العربیة السعودیة» جلد دوم «العهد السعودی ۱۹۱۳ - ۱۹۹۰» سودمند است.

در مدینه شهر پیامبر - ص - شهر رسالت، شهر امامت، دیاری که قرن ها چهره های بلند تشیع و سنیخ اندیشان علوی را در کوی و برزنش جای داده بود. شهری که روزگاری کوچه بنی هاشم در قلب آن چنان در می درخشید، زمانی فاطمیان بر آن سلطه داشتند و مدتی زیدیان بر آن دیار حکم می راندند.

آری این شهر که روزگاری آمیخته بود با یاد علی و آل علی - علیهم السلام - اکنون چگونه است؟ شیعیان در آن دیار چه می کنند؟ جمعیت شیعیان چه اندازه است و چگونه روز می گذرانند، در گوشه و کنار دیگر حجاز و عربستان چگونه اند و بر شیعیان چه می گذرد؟! شیعیان در این دیار همواره استقلال مذهبی و هویت مکتبی خویش را حفظ کرده اند؛ و علی رغم محدودیت ها و دشواری هایی که در حاکمیت آل سعود بر آنها روا شده است، همچنان استوار و با صلابت ایستاده اند. یکی از آشنایان به وضع شیعیان در مدینه - و از شیعیان این دیار - در گفتگویی مستقیم می گوید:

تعداد شیعیان مدینه حدود سی هزار نفر و تعداد سادات مدینه حدود سیزده هزار نفر است در مدینه حدود ۲۰ حسینه وجود دارد. بسیاری از شیعیان مدینه تهیدست هستند.

وضعیت به جهات گونه گونه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چندان مناسب نیست. شیعیان «احساء»، «قطیف»، و «دمام» نیز وضع بهتری از اینان ندارند. گو این که آنان از آزادی عمل و فعالیت بیشتری برخوردارند.

شیعیان مناطق یاد شده به لحاظ حضور عالمان شیعه در آن دیار، آگاهی های فرهنگی خوبی دارند. گفتگو با آنان بویژه تحصیل کرده هایشان، نشان می دهد که در آگاهی از جاری های جهان اسلام از سطح مطلوبی برخوردارند. پی گیری آنان از مسائل و مواضع سیاسی - فرهنگی ایران و آگاهیشان از تحولات درونی جامعه ایرانی و حتی تحولات حوزوی، اعجاب آور است. سؤال ها از چگونگی مرجعیت و رهبری، تفکیک وظایف این دو نهاد، تحولات حوزه علمیه قم و... همه نشانگر حساسیت و اطلاعات بالای آنان از ایران و مسائل ایران

است. آشنایی آنان با وضع اجتماعی و سیاسی خودشان و لزوم موضع گیری های مناسب نیز نشان می دهد که دست کم نسل تحسین کرده آنان موضع اجتماعی و سیاسی خود را بدرستی درمی یابند. دانشجویی می گفت: ما در دبیرستان ها در نماز جماعت شرکت می کردیم و به فتوای امام عمل می کردیم و مهر نمی گذاشتیم تا هماهنگی خود را با آنان حفظ کنیم ولی آنان برخورد مناسبی با ما نداشتند و هیچگاه بدیده اعتماد بر ما نمی نگریستند، و با ما گرم نمی گرفتند.

بهرحال شیعیان هوشمند و آگاه آن دیار؛ بویژه در سه منطقه یاد شده، به نیکی دریافته اند که برای حضور عینی در اجتماع و تداوم حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، باید حزم، دوراندیشی و استوارنگری را پیشه سازند و چنین نیز کرده اند. آنان در موضع مذهبی با صلابت هستند اما در برخورد، با تسامح و هوشمند.

در مدینه، شیعیان در قسمت های مختلف شهر سکونت دارند، آنان پیشتر و قبل از توسعه جدید شهر در بخش های جنوبی و شرقی، در حاشیه مسجدالنبی نیز زندگی می کردند؛ اما اکنون بیشتر در محله عزیات، خیابان علی بن ابیطالب، حوالی مسجد قبا، خیابان های قربان، گاز و طالع ساکن هستند.

هنگامه حج و فرا رسیدن ایام مراسم حج، همه ساله سبب خوشنودی آنان است، آنان در این روزها کسانی را می نگرند که براحته می توانند در برابر آنها راز دل بکشایند و از آرمان ها، دردها و رنج هایشان سخن بگویند. در سعی صفا و مروه متوجه شدم حج گزاری که در پیش رویم حرکت می کند، از دیار دیرپای قطیف است، دست بر شانه اش نهادم و گفتم «بارک الله بقطیف»، نگاهم کرد، چهره اش شکفت و گفت: ایرانی هستی؟

گویا انتظار نداشت کسی جز ایرانی بر او و سرزمینش درود بفرستد. آغوشش را باز کرد و چون برادری که سال ها هجران کشیده، مرا بغل گرفت، راز دل گشود و از حقایق تلخ و شیرین بسیاری گفتگو کرد. جوانی بسیار مطلع و آگاه با درد دل های بسیار در مقابل حجر اسماعیل با ما سخن گفت. او بر این باور بود که هوشمندی شیعیان می تواند در چگونگی روابط آنان با حکومت و ایجاد مناسبات درست و سودمند کمک شایان توجهی کند. گزارش دیگر نشانگر آن است که:

رفتار اصولی و استوار شیعیان عربستان بسیاری از تبلیغات سوء وهابیان علیه آنان را خنثی کرده است. این مطلب تا بدان حد است که حساسیت های منفی، علیه شیعه در دانشگاه ریاض کم رنگ شده است. برخی دیگر از گزارش ها نیز نشانگر آن بود که:

وضع اقتصادی شیعیان رو به بهبودی است و بعضاً از گرفتن کمک ها خودداری کرده اند. شیعیان قطیف و احساء از روحیه حماسی بالایی برخوردارند. جوانی به نام «علی» از دیار قطیف که در دعای کمیل مدینه شرکت کرده بود، می گفت: من می دانم که اینها فیلم برداری می کنند و حضور ما را کنترل می کنند، اما من هراسی ندارم.

او با این که از عدم امکان سفر به مکه اندوهگین بود اما به موضع قاطع و انقلابی پیش افتخار می کرد. امسال از آغاز ایام حج بر در حسینیه شیعیان در نگاشته کوچک نوشته شده بود: که شیعیان ایران به آنجا مراجعه نکنند. این تشدید و منع در روزهای پایانی سال گذشته ایام حج نیز اعمال شده بود، اما امسال از آغاز

گویا چنین سختگیری ها اعمال می شده است. دو نفر از روحانیون به قصد شرکت در نماز جماعت آقای عمرای به مسجد وی می روند از آنها خواسته می شود که در آنجا نمانند، آنان می گویند قبل از ایام حج از آقای عمرای خواسته اند که در ایام حج، وی با ایرانیان ارتباط نداشته باشد.

دانشجویی از دمام، نیز گزارش می دهد که:

فشار بر شیعیان عربستان بسیار زیاد است و آنها بخاطر شیعه بودن از بسیاری از حقوق و موقعیت های اجتماعی محرومند.

در گفتگویی دیگر شیعیان مدینه اظهار می کنند:

وضع ما در این دیار خوب نیست و ما در حالت بسیار بدی بسر می بریم، البته امسال از جهاتی وضع بهتر است و در نهایت باید بگوییم که چگونگی اوضاع ما و رفتار حکومت با ما تا حدود زیادی بستگی به چگونگی ارتباط ایران با عربستان دارد. چند تن از شیعیان را دستگیر کرده بودند که با بهبودی روابط رها کردند. همه چیز ما، حرکت، زندگی و اجتماعات ما زیر نظر است. ما نیاز شدید به کتاب های شیعی و آثار اسلامی داریم و نمی توانیم به دست بیاوریم، ما شرایط شما (ایرانیان) را درک می کنیم ولی شما هم ما را فراموش نکنید.

روزی در جمع برخی از استادان و دانشوران به آهنگ دیدار از آثار تاریخی در مدینه، به گشت و گذار پرداختیم و برای ردیابی «مسجدالشمس» به منطقه ای که آن مسجد واقع بوده است رفتیم. در کناری تنی چند از پیرمردان حصیری گسترده بودند، و با قلیانی که در وسط نهاده بودند لحظه ها را می گذراندند، از جمع ما استقبال خوشی کردند و سؤالات ما را با دقت جواب دادند، آنان می گفتند در ایام سوگواری ما به سختی جمع می شویم یکی از این خانه ها را حسینیه قرار داده ایم و عزاداری می کنیم. پس از اندکی گفتگو از چگونگی حال و هوای آنان، دریافتیم که از توقف بسیار ما بیم دارند برای آنان آرزوی توفیق کرده و جدا شدیم.

چنان که در برخی بخش های این گزارش آورده ایم ۲ وهابی با ذهنی آلوده و تفکر انحرافی با شیعه برخورد می کنند، آنان به هیچ روی از حقیقت اندیشه شیعی آگاهی ندارند. یکی از عالمان سنگال در مدینه به کتابفروشی مراجعه می کند و از کتاب های شیعی جستجو می کند، او در پاسخ می گوید:

اینجا مدینه است، شهری مقدس، در این شهر مقدس اسم شیعه را که کافر هستند بزبان نیاور. با این پندار طبیعی است که شیعیان وضع مناسبی در محیط عربستان که در نهایت در سیطره فکری وهابیان است، نداشته باشند.

در پایان این گزارش گونه، گفتگوی تنبه آفرینی را که نویسنده ای به قلم کشیده است می آوریم:

از یکی از کتابفروشی های اطراف مسجدالحرام، سراغ «سفینه البحار» را گرفتیم.

گفت: چنین کتابی را ندیده ام، از کیست؟

گفتیم: از محدث قمی.

گفت: از ائمه اهل سنت و جماعت هرچه بخواهی داریم، صحیح بخاری، سنن بیهقی و...

گفتم: ما در ایران، در کتابفروشی ها و کتابخانه هایمان به وفور، کتب شما را داریم. هم مطالعه می شود و هم خرید و فروش، شما چطور از کتب شیعه هیچ ندارید؟

گفت: ما کتب مجوسیان را توزیع نمی کنیم.

من که انتظار چنین سخنی را از یک فرد آشنا به کتاب نداشتم، گفتم:

اعتقاد و دین، مربوط به کشور و شهر خاصی نیست، به صرف ایرانی بودن نمی توان کسی را مجوس دانست. درست است که ایران، قبل از اسلام دین زردشتی داشت، ولی ایرانیان از آیین حضرت رسول - ص - استقبال کردند و از مسلمانان راستین شدند. از جمله سلمان فارسی که از ایران بود.

گفت: پیامبر او را «سلمان محمدی» خطاب کرد.

گفتم: این از شدت ایمان و بخاطر فضیلت بسیار و قرب سلمان به حضرت رسول بود.

گفت: ایرانی مجوس است.

گفتم: اولاً - ما مسلمانی و از ایران برای زیارت خانه خدا و مرقد مطهر پیامبر - ص - آمده ایم. مجوسی ها کجا به حج می آیند؟!

ثانیاً - بسیاری از دانشمندان بزرگ شما اهل سنت، ایرانی بوده اند. مثلاً بعضی از نویسندگان صحاح و سنن شما، مثل بیهقی، بخاری، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و... ایرانی هستند. ابو حنیفه، پیشوای مذهب حنفی، ایرانی است. مفسرین مشهوری چون طبری، زمخشری، فخر رازی و... همه ایرانی بودند. اگر صرف ایرانی بودن دلیل بر مجوسیت است، پس باید این علما هم مجوسی باشند!

صدای اذان برخاست، خداحافظی کردم و به طرف مسجدالحرام روانه شدم.

بهر حال در فضا و محیطی که بگفته دانشمند و دانشجویی هوشمند و شیعی، حقد، کینه و یکسر کذب و جعل از شیعه در دانشگاه ها و محیط های علمی تدریس و عرضه می شود و به گفته دانشجویی منصف و کتابخوان - پس از گفتگو و مباحثه - : متأسفانه همه آگاهی ما - دانشجویان دانشگاه های سعودی - از شیعه مستند است به منابع فرقه شناسی که هیچکدام از آنها به منابع اصیل خود شیعه مستند نیست. باری، آیا در چنین فضایی جز این می توان انتظار داشت؟ خوب است اینجا خاطره ای دیگر را نیز نقل کنم:

در یک کتابفروشی بسیار بزرگ در مدینه که کتاب های متعددی علیه شیعه داشت، با جوانی افغانی که دانشجوی دانشگاه مدینه بود سخن گفتم. از کشورم سؤال کرد، گفتم ایرانی، از مذهبم سؤال کرد، گفتم شیعی هستیم. شانه هایش را بالا انداخت و با بی اعتنائی سخنی ناروا گفت. من با خوشرویی گفتم چرا چنین داوری می کنی، او سخنان تباه بسیاری را که از استادانش فراگرفته بود برای من بافت و در نهایت گفت شما معتقد به تحریف قرآن هستید، قرآنی جز این قرآن دارید، و روایات در منابع شما درباره تحریف بسیار است پاسخ گفتم، و تأکید کردم که عالمان محقق شیعه بر این باور نیستند و این روایات را قبول ندارند، او گفت وعده می گذاریم و من فردا کتابی می آورم که این مطالب از منابع مهم شما نقل کرده است. گفتم لازم نیست بیاورید، من آن کتاب را دیده ام، خوانده ام سخن استواری ندارد، گفت: من نگفته ام چه کتابی، چگونه می گویی من آن را دیده ام. گفتم مگر مراد کتاب «الشیعه والقرآن» احسان ظهیر الهی نیست؟! جوان بهشت زد،

و بالمره آرام شد و من ادامه دادم و آنگاه گفتم اکنون با هم فارسی حرف می زنیم؛ و فارسی حرف زدیم و او سبکبال از آنچه فهمیده و شرمسار از داوری پیشین، مدت زیاد با من به گفتگو نشست و برای روز بعد وعده دیدار نهاد و... .

اکنون لازم است خلاصه گزارشی را بیاوریم که از یکسوی حقایق قابل توجهی درباره حضور فیزیکی، فکری، اجتماعی و سیاسی شیعیان در عربستان دارد و از سوی دیگر نشانگر آن چیزی است که پیشتر آوردیم، از نتیجه برخوردهای هوشمندانه و دقیق شیعیان آن دیار. در این گزارش یکی از وهابیان به نام ناصر بن سلیمان العمر حضور جدی شیعیان در عربستان را نمایانده و به مسؤولان آن کشور در این باره هشدار داده است. لحن گزارش گزنده است و کینه توزانه، ما گزارش را خلاصه کرده ایم اما در لحن آن تغییری نداده ایم تا نشانگر جریانی باشد از برخورد با شیعیان در آن دیار.

وضعیت رافضیان در سرزمین توحید

حضرت شیخ عبدالعزیز بن باز (حفظه الله) حضرات گرامی، اعضای کبار العلماء (وَقَقِهِمُ اللهُ)

سلام علیکم

به استناد حدیث نبوی «الَّذِينَ نَصِيحَةُ» بر خود واجب می دانم در این یادداشت شما را نسبت به خطر رافضیان و فعالیت های آنان و اهداف پنهان و خطرناکشان باخبر سازم.

سروران!

من این حقایق را در اختیار شما می گذارم و شما خود می دانید برای برائت ذمه و کمک به مسلمانان چگونه عمل کنید.

رافضیان و تراکم جمعیتی آنان

رافضیان مدعی هستند که ۲۵٪ از شهروندان این کشور را آنان تشکیل می دهند. لیکن در حقیقت، تعدادشان به ۵٪ نیز نمی رسد.

آنان سخت هوادار ازدواج در سنین پایین، تکثیر نسل و داشتن همسران متعدّد هستند و هر روزه در قطف اعلامیه هایی بر در و دیوار می بینیم که خبر از مراسم ازدواج های متعدد می دهد؛ مثلاً تنها در یک شب، در سیهات، طی یک جشن ۴۴ زوج ازدواج کردند که این مطلب، بی خبرانه و ساده لوحانه مورد استقبال و تشویق مطبوعات و جراید نیز قرار گرفت.

فعّالیت های علمی رافضیان

۱- تعلیمات عمومی

در کلیه روستاهای قطیف مدارس وجود دارد که مملو از دانش آموزان است.

۲- آموزش حرفه ای

آموزشگاه های حرفه ای، صنعتی و بهداشتی و دانشکده های فنی، پر است از رافضیان؛ زیرا آنان، برخلاف بیشتر اهل سنت، میل و علاقه غریبی به آموختن این هنرها دارند. لذا در قطیف آموزشگاه خاصی برای تعلیمات حرفه ای و یک دبیرستان بازرگانی وجود دارد.

۳- آموزش عالی

آنان حضور فعالی در دانشگاه ها دارند و از آنها بسیار بهره می برند. برای نمونه به آمار زیر بنگرید: دانشگاه ملک فیصل در دمام و احساء: رافضیان در این دانشگاه در پی تخصص های قوی و علمی هستند. همچنان که در رشته های ادبیات و زبان عربی به تحصیل اشتغال دارند. آنان در برخورد با اساتید به شبهه انگیزی می پردازند و در جاهای مختلف دانشگاه نماز می خوانند.

دانشگاه نفت و معدن ملک فهد در ظهران: برخی از رافضیان در رشته های حساس نفت، به تحصیل مشغولند و عده ای حتی به استادی در این دانشگاه دست یافته اند.

دانشگاه ملک سعود در ریاض: تعداد بسیاری از رافضیان که از منطقه شرقی می آیند، به تدریس در این دانشگاه مشغولند. برخی از دانشجویان رافضی به توزیع پاره ای نوشته ها که بیانگر عقاید آنان است، دست می زنند و حتی اطلاعیه های مربوط به برپایی جشن عروسی در حسینیه های خود را به در و دیوار می زنند و همچنین کارگران و دانشجویان خارجی را به مذهب باطل! خود فرا می خوانند.

آموزش و پرورش

۱- معلمان، کمتر مدرسه ای در منطقه شرقی یافت می شود که در آن معلمی رافضی یافت نشود. بیشتر معلمان رافضی در علوم، ریاضیات، زبان و علوم اجتماعی تخصص یافته و تا آن جا پیش رفته اند که در این دروس، منطقه را از معلمان دیگر بی نیاز کرده اند.

در مدینه و روستاهای اطراف آن بیش از ۳۰۰ معلم رافضی وجود دارد. آنان چه در داخل مدرسه - روزنامه های دیواری و جز آن - و چه در فعالیت های خارج از مدرسه مانند سفرها، سخت فعالیت می کنند و می کوشند دل دانش آموزان را به دست آورند و سپس آنان را وسوسه کنند و دچار شبهه سازند.

این مطلب در مورد معلمان زن نیز صادق است. آنان در قطیف و روستاهای آن و مناطق سنی نشین - چه دور و چه نزدیک - درس می دهند و تعداد معلمان زن رافضی در منطقه مدینه نبوی نزدیک به ۳۰۰ تن می رسد. طبیعی است که زنان و مردان معلم رافضی، از مذهب خود دفاع می کنند و با نشان دادن اخلاقی خوش و ارائه الگویی خوب، می کوشند تا احساسات اهل سنت را تحت کنترل خود درآورده و دل های آنان را تسخیر کنند.

حال چه خطری بر معتقدات اهل سنت، مهمتر از آن است که معلمان - مرد و زن - رافضی و بدعتگذار الگوی جوانانشان باشند؟! «لا حول و لا قوة الا بالله و اليه المشتكى» (!)

۲- اداری ها. کافی است بدانید غالب مدیران، ناظران و گردانندگان مدارس قطیف و روستاهای آن رافضی هستند. نتیجه بودن این تعداد فراوان از رافضیان در عرصه آموزش و پرورش، آن است که اینک خواستار انجام خدمات آموزشی بیشتری مانند ایجاد دانشگاه در قطیف یا ایجاد شعبه های دانشگاهی در آن جا شده اند و حتی خواهان ایجاد نظام آموزشی منطبق بر عقایدشان در مناطقی که اکثریت آن رافضی هستند، شده اند.

فعالیت های اداری

رافضیان در بسیاری از ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی نفوذ کرده اند و در برخی از آنها مانند وزارت کشاورزی، وزارت بهداشت، وزارت برق و پست و تلفن و وزارت تبلیغات، اکثریت را تشکیل می دهند. عجیب آن که در وزارت حج و اوقاف نیز تعدادی از آنان یافت می شوند. اما در بخش های نظامی، وزارت دفاع، نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی تعدادشان بسیار است. همچنان که در نیروی دریایی - که بسیار حساس است - کسانی از آنان به رتبه های بالا دست یافته اند. آنان نفوذ گسترده ای در ادارات دولتی مدینه پیامبر - ص - بویژه بهداشت و راهنمایی و رانندگی این شهر دارند.

فعالیت های تجاری و کشاورزی

رافضیان علاوه بر قطیف، در دمام، جبیل و دیگر شهرهای این سرزمین، فعالیت تجاری گسترده و قابل توجهی دارند. برخی از تاجران رافضی شهرت بسیار کسب کرده اند و شرکت هایشان معروف است مانند: «شركة المخايز الوطنيّة» که به تولید انواع نان و لبنیات می پردازند. بازار میوه جات و سبزیجات در منطقه شرقی عمدتاً در اختیار آنان است و لذا چندان شگفت آور نیست که نرخ میوه ها و سبزی ها در ایام سوگواری؛ بویژه در روز عاشورا افزایش می یابد؛ زیرا تعداد بسیاری از فروشندگان رافضی در این اوقات از داد و ستد خودداری می کنند.

تجارت خرما بویژه خرمای احساء - که کیفیت آن زبانزد است - در اختیار رافضیان است.

فعالیت های علمی و تبلیغی

در قطیف و اطراف آن، بسیاری از عالمان بزرگ رافضی با پیروانی کوشا و مدافع مذهب خود، وجود دارند. در تمام روستاهای قطیف، غیر از واعظانی که «ملاً» نامیده می شوند، عالمی رافضی حضور دارد. آنان فعالیت های گسترده ای در زمینه های علمی و تبلیغی دارند؛ از جمله:

۱- درس ها و سخنرانی ها

بدور از چشم مسؤولان مربوط، اطلاعاتیه های متعددی بر در و دیوار مساجد و حسینیه های آنان به چشم می خورد که خبر از درس و سخنرانی رافضیان می دهد. این درس ها موجب برافروختن آتش فتنه و ایجاد محبت نسبت به تهران و قم و دشمنی با حاکمان و رهبران این سرزمین می شود. در این جا عنوان برخی از سخنرانی ها و سخنوران را ذکر می کنم:

- اهل بیت در قرآن سید علی السید ناصر
- مهدی در قرآن شیخ محسن المعلم
- تشیع و ولایت سید عبدالله الموسوی
- تقیه و حدود آن سید منیر الخباز
- رحلت امام علی شیخ مهدی المصلی

۲- مساجد و حسینیه ها

در مناطق رافضی نشین، مساجد و حسینیه های بسیاری وجود دارد که اگر پیش آید هنگام اذان وارد قطیف شوی، از شنیدن بانگ: «شهد ان علیاً ولی الله و حی علی خیر العمل» که در فضا پیچیده است، نباید تعجب کنی. در این مساجد مردمی را می بینی که بر ران های خود می کوبند و بر سنگ سجده می کنند. اگر در این خطه از مساجد اهل سنت بپرسی، تعداد آن کم، بلکه نادر است.

حسینیه ها تربیون تبلیغاتی برای رافضیان و تقویت روحیه همبستگی و احساسات مذهبی آنان و کینه توزی نسبت به اهل سنت در مناسبت های مختلف به شمار می رود. حیرت آور آن که حسینیه ها عجیب زیادند، تا آن جا که در یک محله، بیش از یک حسینیه با موقوفه خاص و صیغه قداست وجود دارد. از جمله می توان این حسینیه ها را نام برد: حسینیه الزهراء، حسینیه الامام المنتظر و حسینیه الناصر، در سیهات، حسینیه الزائر در قطیف، حسینیه الامام زین العابدین و حسینیه الرسول الاعظم.

۳- نمایشگاه های کتاب

رافضیان در قطیف و توابع آن، هر سال نمایشگاه هایی برگزار می کنند و در آنها بسیاری از کتاب ها و اباطیل (!) خود را به فروش می رسانند. در روز چهارشنبه ۱۴۱۲/۱۰/۱۲ ق، ششمین نمایشگاه کتاب به مدت پانزده روز در قطیف با ویژگی ها و فعالیت های جنبی زیر برگزار شد:

- برگزاری مسابقه بزرگی با جوایز ارزنده

- اختصاص برخی از روزها به آقایان و پاره ای روزها به بانوان
 - تخفیف برخی از کتاب ها در روزهای خاص
 - و برگزاری مسابقه های روزانه
 همانطور که می بینیم این «ششمین» نمایشگاه است؛ یعنی قبلاً پنج نمایشگاه از این دست برگزار شده است.

همچنین در سال ۱۴۱۲ ق. نمایشگاه کتابی در باشگاه ورزشی الهدی و جزیره تاورت، برگزار شد.
 باز در آغاز سال ۱۴۱۳ ق. نمایشگاه کتابی در باشگاه ورزشی ابتسام در روستای «ام الحمام» با مشارکت بیش از ده ناشر برگزار شد. عجیب آن که اطلاعیه ها و پلاکاردهای بازدید از این نمایشگاه را در شهر دمام آویخته بودند و عجیب تر آن که مدیر کل آموزش و پرورش منطقه شرقی آن را افتتاح کرد.
 در این نمایشگاه، کتاب هایی دیده می شود که از مذهب رافضیان سخن می گوید، به آن دعوت می کند، عقیده اهل توحید را مخدوش و پیروان آن را نکوهش می کند، با ستایش و غلو از اهل بیت، از دیگران با ناسزا یاد می کند. از جمله می توان این کتاب ها را نام برد: التوحید نوشته ابن بابویه قمی، موسوعة العتبات المقدسه، نوشته جعفر خلیلی، صد و پنجاه صحابی ساختگی نوشته مرتضی عسکری و الآیات البینات، نوشته محمد حسین کاشف الغطاء که ردی است بر وهابیت.

۴- جمعیت های خیریه

در تمام روستاهای رافضی نشین، جمعیت های خیریه ای وجود دارند که به فعالیت های گسترده ای دست می زنند؛ از جمله:

الف - کمک های مالی برای ازدواج.

ب - ایجاد شهر بازی برای کودکان.

ج - برگزاری کلاس های آموزش خیاطی، ماشین نویسی و کامپیوتر.

د - رسیدگی به بیماران و کوشش برای درمان آنان.

درآمد یکی از این جمعیت های خیریه به نام «جمعية العوامیة الخیریة» طی سال ۱۴۱۱ ق. ۲۳۸۱۰۷۸۰ ریال سعودی بوده است. متأسفانه این جمعیت ها از طرف اهل سنت نیز مورد حمایت مالی قرار می گیرند و این غیر از پشتیبانی رسمی وزارت کار و امور اجتماعی از آنان است که گاه تا ۳۲۵۰۰۰ ریال سعودی به آنان پرداخت کرده است.

مظاهر شرک و بدعتگذاری

رافضیان در درجه اول گورپرست و بندگان ضریح و آرامگاه ها هستند و رافضیان سعودی نیز چون دیگر رافضیانند.

از جمله مظاهر شرک علنی رافضیان در سرزمین توحید می توان موارد زیر را نام برد:

- ۱ - آنان گورهای خود را محکم می کنند. آنها را می آرایند و بر می آورند و بر آن بنا می کنند و گاه عکس های مردگان را بر گورها نصب می کنند و برای آمرزش روح آنان فاتحه می خوانند و پرچم نصب می کنند.
- ۲ - آنان تصاویر منسوب به قبور اهل بیت مانند آرامگاه کاظم، باقر، مشهد، حسین و مانند آن را آشکارا در بازارهایشان می فروشند. همچنین عکس های عالمان و مجتهدان خود مانند خمینی و خویی را دست به دست می کنند و از داشتن آنها احساس سرافرازی می کنند و آنها را در بازارهایشان می فروشند یا می آویزند. بعلاوه اوراقی می فروشند که در آنها نام امامان، تاریخ تولد و وفات و آرامگاه هایشان بیان شده است.
- ۳ - بودن اوراد شرک آمیز مانند اوراد زیارت قبور و توسل به امامان که غلو در آن کاملاً آشکار است. از آن جمله است گفته آنان در زیارت علی - رضی الله عنه - : «السلام علی میزان الأعمال، و مقلب الاحوال... الحاکم یوم الدین...»
- ۴ - ساختن حسینه و گذاشتن بلندگو در آن و همچنین ساختن مساجد و گفتن اذان، در دیگر نواحی قطیف.
- ۵ - چراغانی، نصب پلاکارد، برگزاری سخنرانی ها، سمینارها و توزیع شیرینی در حسینه های قطیف به مناسبت های خاص؛ مانند عید غدیر یا تولد این یا آن امام.
- ۶ - بسیاری از رافضیان قطیف و احساء، درست هنگام نماز ظهر و عصر و پس از اذان - بدون این که کسی اعتراض کند - از مسجد پیامبر خارج می شوند؛ مردم وارد می شوند و آنان بیرون می روند. رافضیان نماز ظهر و عصر را طبق اعتقاد خود با هم می خوانند. آنان حدود ساعت دو بعد از ظهر، به گونه ای که جلب توجه کند در مسجد نبوی گرد می آیند و نماز می خوانند.
- ۷ - بیشتر رافضیان هنگام حضور در مسجد نبوی، کتاب های متعلق به مذهب خود را همراه دارند و در آن جا می خوانند و حتی یکی از آنان دست به توزیع کتاب «اکذوبه تحریف القرآن بین السنة و الشیعه» زد. این کتاب اتهام تحریف قرآن را از شیعیان رد می کند و آن را به اهل سنت نسبت می دهد.

خواست های شیعیان

- ۱ - دولت سعودی، به تشیع چونان یکی از مذاهب اسلامی، احترام بگذارد و اعمال مذهبی شهروندان شیعه را به رسمیت بشناسد.
- ۲ - آزاد ساختن مساجد و حسینیه ها و بازسازی قبور امامان در بقیع و دیگر اولیاء، به شیعیان داده شود.
- ۳ - نظام آموزش دینی در مناطقی که بیشتر ساکنان آن شیعه هستند، طبق مذهب آنان باشد.
- ۴ - آزادی فکری و فرهنگی به شیعیان داده شود و آنان بتوانند کتاب های شیعی را وارد و مجلاتی با دیدگاه های شیعی طبق قانون، منتشر کنند.
- ۵ - شیعیان آزادی ایجاد حوزه های علمی و مدارس دینی را داشته باشند.
- ۶ - از توهین و اهانت به مذهب شیعه خودداری شود و آنان بتوانند از مذهب دفاع کنند. ۳

پی نوشت ها :

- ۱- با کاروان ابراهیم، ص ۲۳۰.
- ۲- مراد کتاب «با کاروان عشق» است که گزارشی است از حج سال ۷۲.
- ۳- این گزارش مفصل را فاضل ارجمند جناب آقای سید حسن اسلامی ترجمه و تلخیص کرده اند.